

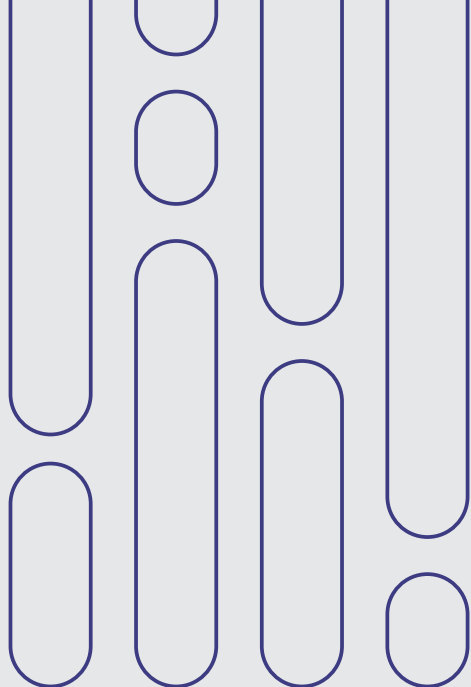
گزارش

برنامه هسته ای
ایران بر سر یک دو
راهی؛ روندهای
احتمالی بعد از سفر
گروسی به ایران

25 مه 2024



RASANAHA
المعهد الدولي للدراسات الإيرانية
International Institute for Iranian Studies



فهرست

- نخست: مرحله دشوار.....3
- دوم: اهدافی که هر کدام از طرفین به آن چشم دوخته اند.....5
- سوم: برآیندهایی و روندهایی احتمالی8
- خلاصه11

رافائیل گروسی مدیر کل آژانس بین المللی انرژی اتمی در ششم می ۲۰۲۴ میلادی به ایران سفر کرد. این سفر که اولین سفر وی از مارس ۲۰۲۳ میلادی به ایران است، به منظور شرکت در اولین کنفرانس بین المللی علوم و فنون هسته ای در اصفهان و همچنین با هدف جستجوی راههای همکاری در خصوص نظارت بین المللی بر تأسیسات هسته ای ایران صورت گرفت. گفتنی است بعد از خروج آمریکا از برجام، ایران ضمن کاهش تعهدات برجامی، نظارت آژانس را نیز تا اندازه زیادی محدود و حتی متوقف کرد. بایدن که در اوایل سال ۲۰۲۱ میلادی قدرت را در اختیار گرفت، تلاشهای زیادی برای احیای برجام انجام داد که ناکام ماند. این سفر که قبل از نشست شورای حکام صورت گرفته است از اهمیت بالایی برخوردار است. قرار است گروسی در نشست شورای حکام که در اوایل ژوئن ۲۰۲۴ میلادی برگزار شود، گزارشی در مورد تحولات پرونده هسته ای ایران ارائه کند. این گزارش از اهمیت و همچنین اهداف سفر گروسی در این مقطع زمانی پرده بر می دارد و به این مسأله می پردازد که این سفر تا چه اندازه ای بر روند آینده هسته ای ایران تأثیرگذار است؟

نخست: مرحله دشوار

سفر گروسی از آنجایی حائز اهمیت می باشد که در زمانی صورت گرفت که برای برنامه هسته ای ایران بسیار تعیین کننده است. در این خصوص به موارد زیر اشاره می کنیم:

یک. سطح غنی سازی فراتر از نیازهای صلح آمیز: نگرانیهای جامعه بین الملل از سیاست ابهام هسته ای ایران افزایش یافته است. زیرا ایران تنها کشوری است که سلاح هسته ای ندارد اما از سال ۲۰۲۱ میلادی به بعد، توانمندی غنی سازی اورانیوم تا ۶۰ درصد افزایش داده و مقادیر قابل توجهی از اورانیوم غنی سازی شده را ذخیره دارد. غنی سازی با خلوص ۶۰ درصد از یک سو با ۹۰ درصدی که کاربرد نظامی دارد، فاصله چندانی ندارد و از دیگر سو، از میزان ۳,۶۷ درصد که برای تولید برق استفاده می شود و

در برجام ۲۰۱۵ میلادی نیز مشخص شده است، بسیار فراتر است. ایران در حالی به این سیاست روی آورده است که به طور قابل ملاحظه ای جلوی فعالیت بازرسان آژانس را گرفته است و علاوه بر اینکه دوربینهای نظارتی آژانس را از مدار خارج کرده، مجوز تعدادی از کارشناسان آژانس را نیز لغو کرده و میزان ذخیره اورانیوم غنی سازی شده را نیز افزایش داده است.

دو. عدم پایبندی ایران به تعهدات خود: با اینکه آژانس بین المللی تلاش کرده است تا در چارچوب توافق مارس ۲۰۲۳، به فعالیتهای نظارتی خود ادامه دهد، اما در این راه با چالشهایی روبرو شده است که از مهمترین آنها می توان به عدم پایبندی ایران به تعهدات خود، سیاسی کردن مسأله نظارت و گره زدن آن به تنشهای سیاسی با ایالات متحده و شکست گفتگوهای برجامی اشاره کرد. در نتیجه، [هیأت بازرسان](#) دسترسی مستمر خود به اطلاعات مربوط به تولید و انبار سانتریفیوژها، آب سنگین و کنسانتره اورانیوم خام در ایران را از دست داده است. گروسی قبل از این سفر، از وضعیت موجود اظهار نارضایتی کرد و گفت: «اصلا مشخص نیست ایران چه نیازی به این مقدار، و این سرعت، و این سطح از غنی سازی دارد. همچنین ایران هنوز درباره ذرات اورانیوم با خلوص بالا که در دو تأسیسات یافت شده، توضیحی نداده است که این مسأله به تردیدها درباره اهداف هسته ای ایران دامن می زند».

سه. نگرانیها از حمله به تأسیسات هسته ای: سفر گروسی در شرایطی صورت می گیرد که جنگ کنونی پس از توفان الاقصی به تنشهای منطقه ای دامن زده است و سطح رویارویی که ایران و متحدانش در یک سو، و اسرائیل و ایالات متحده در دیگر سو قرار دارد، به طور بی سابقه ای افزایش یافته است. این رویارویی با حملات انتقامی ایران در ۱۳ آوریل ۲۰۲۴ میلادی در پاسخ به حمله اسرائیل به بخش کنسولی سفارت ایران در دمشق، و پاسخ متقابل اسرائیل با حمله به عمق ایران، به اوج خود رسید. و حتی طرفین یکدیگر را به حمله به تأسیسات هسته ای نیز تهدید کردند که نگرانیهای آژانس را به دنبال داشت و گروسی از این تنش افزایشی ها ابراز نگرانی کرد.

چهار. تهدیدهای تلویحی ایران به تغییر دکترین نظامی: در شرایطی که تلاشهای دیپلماتیک برای احیای برجام از اواسط تابستان ۲۰۲۲ میلادی رنگ باخته است، ایالات متحده، اسرائیل و جامعه بین الملل نگرانند که مبادا ایران با استفاده از شرایط کنونی، برنامه هسته ای خود را پیش ببرد؛ بخصوص که اخیراً درخواستها در درون نظام برای تولید و در اختیار داشتن سلاح هسته ای افزایش یافته است. به عنوان مثال، جواد کریمی قدوسی نماینده «اصولگرایی» پیشین مجلس صراحتاً اظهار داشت در صورت موافقت علی خامنه ای، ایران تا آزمایش اولین بمب هسته ای، تنها یک هفته فاصله دارد. پیش از او نیز محمد فاکر میبیدی عضو هیأت علمی مرکز علوم اسلامی در ۲۳ مارس ۲۰۲۳ میلادی از نیاز ایران به سلاح هسته ای به عنوان یک سلاح بازدارنده مدرن سخن گفته بود. اینگونه اظهارات، مخصوصاً درباره توانمندی تهران در ساخت سلاح هسته ای [نگرانی شورای حکام آژانس](#) را برانگیخت

دوم: اهدافی که هر کدام از طرفین به آن چشم دوخته اند

ایران و آژانس بین المللی هسته ای به دستاوردهایی از این سفر گروسی چشم امید بسته اند که عبارتند از:

یک. شرط بندی گروسی بر بازگشت نظارت: آژانس بین المللی انرژی هسته ای امیدوار است بتواند به مدد فشارهای کنونی همکاری هسته ای با ایران را که از حدود یک سال قبل متوقف شده است، مجدداً احیا کند. و در مورد امکان اجرایی سازی توافق مارس ۲۰۲۳ میلادی گفتگو کند. گفتنی است [که به موجب این توافق](#)، ایران باید در خصوص تحقیقات درباره ذرات اورانیوم یافت شده در تأسیسات اعلام نشده همکاری کند و به کارشناسان آژانس اجازه ورود به تأسیسات هسته ای و صحبت با متخصصین ذی ربط و نصب مجدد دوربینهای نظارتی بر اساس برجام ۲۰۱۵ میلادی را بدهد. سیستمهای نظارتی بعد از خروج ایالات متحده از برجام

در دوران رئیس جمهور ترامپ در سال ۲۰۱۸ میلادی، غیر فعال شد و اکنون گروسی امیدوار است که در طی یک ماه یعنی قبل از نشست شورای حکام بتواند در مورد اقداماتی که به حالت تعلیق درآمده، به توافقی دست یابد. زیرا این سفر گروسی پیام بسیار صریحی به ایران دارد مبنی بر اینکه تا قبل از نشست شورای حکام در اوایل ژوئن، پایبندی خود به تعهدات مندرج در توافق مارس ۲۰۲۳ میلادی با آژانس را اعلام کند و این یک فشار مضاعف بر ایران است.

دو. پرهیز ایران از تنش افزایشی قبل از نشست شورای حکام: ایران خوب می داند که چگونه در مذاکرات هسته ای از فنون فریب، وقت کشی، سرگرم کردن رقیب در جزئیات، گره زدن پیشرفت مذاکرات هسته ای با مسائل جانبی دیگر استفاده کند و با امتیازدهی های تاکتیکی هر زمان که فرصت پیدا کند، از آنچه خود توافق کرده نیز عدول کند. و می توان سفر گروسی به تهران را از این منظر قرائت کرد که با توجه به اینکه قرار است نشست شورای آژانس حکام در ۳ تا ۷ ژوئن در وین دایر گردد و گروسی نیز باید گزارش سه ماهه خود را در این نشست ارائه کند، ایران تلاش دارد از این سفر گروسی در راستای [کاهش انتقادهای گسترده آژانس](#) از ایران بهره برداری کند تا شاید بتواند از تندی لحن گزارشی که به این نشست ارائه می شود، بکاهد. ایران تلاش می کند به ایالات متحده و غرب فرصت ندهد که از موضع منفی آژانس در قبال ایران استفاده کرده و پرونده هسته ای ایران را به شورای امنیت ببرند. در واقع ایران با این نحوه مدیریت کج دار و مریز [تلاش دارد](#) برجام را تا زمانیکه تاریخ مصرف قطعنامه سازمان ملل در اوایل سال ۲۰۲۵ میلادی به پایان می رسد، روی کاغذ حفظ کند.

سه. کنترل خشم اداره بایدن: اخیرا اداره بایدن به این واقعیت پی برده است که مماشات ایالات متحده در اجرای فشارها و تحریمها نه تنها تهران را به گفتگو و تفاهم سوق نداده است بلکه ایران از این فرصت برای تقویت نفوذ و منافع خود استفاده کرده است. از این رو، ایالات متحده با تصویب چندین قانون و وضع تحریمهایی تازه تلاش کرد تحریمها و فشارهای تازه

ای علیه ایران اعمال کند که یادآور روش فشارهای حداکثری ترامپ علیه ایران است که صادرات نفت و رهبران و مقامات عالی رتبه و شرکتها و صنایع بزرگ ایران را هدف قرار می دهد.

چهار. تلاش ایران برای جلوگیری از حمله به تأسیسات هسته ای اش:

نظام ایران امیدوار است که این سفر گروسی در فروکش کرن خشم قدرتهای بین المللی مؤثر واقع شود؛ زیرا تهران با دعوت از گروسی به تهران و از سرگیری مذاکرات، در صدد ارسال یک پیام اطمینان بخش به غرب و کشورهای منطقه است که از پیشرفت برنامه هسته ای ایران نگرانند. همچنین تهران در تلاش است تا در سایه تنش با اسرائیل و تغییر قواعد درگیری میان طرفین، تأسیسات هسته ای خود را از هرگونه حمله ای مصون نگهدارد. سخنان وزیر خارجه فقید حسین امیر عبداللهیان که در دیدار با گروسی که این سفر را در وقت بسیار مناسب توصیف کرد و از گروسی خواست که برای کمک به همکاری سازنده و بازگشت امنیت و ثبات در منطقه، در مورد فعالیتهای هسته ای ایران از موضع بیطرفانه و حرفه ای خود عدول نکند، نشان می دهد که تهران برای دوری جستن از هرگونه حمله علیه تأسیسات هسته ای، اکنون به کاهش تنش روی آورده است. در همین راستا، محمد سلامی رئیس سازمان انرژی هسته ای ایران نیز تأکید کرد که موضع آژانس نباید تحت تأثیر ادعاهای اسرائیل و حملات رسانه ای آن علیه برنامه هسته ای ایران، قرار گیرد.

پنج. مدیریت افکار عمومی در داخل کشور: اظهارات مقامات ایران در

مورد ضرورت دستیابی به سلاح هسته ای و وجود امکانات و توانمندی های لازم برای آن در مدتی اندک، نگرانیهای قدرتهای منطقه ای و بین المللی و همچنین نگرانی آژانس بین المللی انرژی هسته ای را برانگیخت. این امر سبب شد که «اصلاح طلبان» نیز با استفاده از این فرصت علیه جریان «تندرو» که قدرت را در اختیار دارد، انتقادهای زیادی مطرح کند. از این رو، ایران تلاش کرد با دعوت از گروسی ضمن مدیریت افکار داخلی از شدت انتقادهای داخلی و خارجی بکاهد. و برای اینکه در داخل و خارج از

اظهارات تنش زایی که به آنها اشاره کردیم، علیه نظام استفاده نشود، تأکید کرد که روش ایران در مورد برنامه هسته ای همچنان صلح آمیز است.

سوم: برآیندهایی و روندهایی احتمالی

شاید بتوان گفت که سفر گروسی به احیای گفتگوها میان آژانس و ایران درباره برنامه هسته ای منجر شده است تا با پایان جمود، مسائل فنی اختلافی میان طرفین مورد بررسی قرار گیرد. و شاید طرفین در این دیدار نگرانیهای خود را با یکدیگر در میان گذاشته اند اما باید گفت که این سفر هیچ دستاورد تازه ای در خصوص مسائل اختلافی حل نشده، در بر نداشته است و هیچ نقشه راهی برای رسیدگی به مسائل اختلافی ارائه نشده است. طرفین تنها بر این نکته تأکید کرده اند که توافق مارس ۲۰۲۳ میلادی در مورد اصول و مقررات آژانس بین المللی انرژی هسته ای همچنان به قوت خود باقیست و [ملاک فعالیتها](#)ی آینده قرار می گیرد. و این هیچ دستاورد تازه ای در مورد پرونده پیچیده هسته ای ایران ارائه نمی دهد و در حالیکه ایران به غنی سازی با خلوص بالا و افزایش ذخیره اورانیوم غنی سازی شده ادامه می دهد، هیچگونه نظارتی بر برنامه هسته ای ایران وجود ندارد و معنای همه اینها این است که ایران هر لحظه به گذر از آستانه هسته ای نزدیک تر می شود.

به نظر می رسد که حل و فصل پیچیدگیهای پرونده هسته ای ایران، اساساً به تعاملات سیاسی میان ایران و ایالات متحده و متحدان دست اندرکار در پرونده هسته ای گره خورده است. گروسی در سخنان خود به این مطلب اشاره کرد که در این گفتگوها جوانب سیاسی نیز مطرح است یعنی اینکه اختلافات با ایران تنها به مسائل فنی که در حیطه وظایف آژانس است خلاصه نمی شود بلکه جوانب سیاسی و مطالبات ایران در خصوص رفع تحریمها نیز در این امر دخیل است و این مطلب از سخنان گروسی به خوبی هویداست که گفت: « وقتی که مسأله به رفع تحریمها و اموری مشابه مربوط شود که برای ایران بسیار حائز اهمیت است، من کسی نیستم که

بتوانم چنین مشکلاتی را حل کنم». محمد سلامی نیز با [اشاره به همین مسأله گفت](#): «موانعی که بر سر راه همکاریها قرار گرفته اند در بیشتر موارد ریشه در مسائل سیاسی دارند». در سایه چنین افق مبهمی به نظر می رسد که چندین سناریو در مورد پرونده هسته ای ایران مطرح است:

یک. ارجاع پرونده هسته ای ایران به شورای امنیت: اگر سفر گروسی هیچ پیشرفتی میان آژانس و ایران به دنبال نداشته باشد، در این صورت گزارش آژانس به شورای آژانس حکام منفی خواهد بود. این امر بهانه را برای ایالات متحده و کشورهای اروپایی فراهم می کند تا پرونده هسته ای ایران را به شورای امنیت ببرند و احتمال بازگشت تحریمها در قالب میکانیسم ماشه نیز وجود دارد. بنابراین، سفر گروسی در زمانی صورت گرفته است که برای ایران بسیار حساس است و ایجاب می کند که ایران سریعاً به خواستهای آژانس پاسخ دهد. گروسی به محض اینکه به وین رسید، [گفت](#): «من نتیجه می خواهم، به زودی هم نتیجه می خواهم». در عین حال، گروسی به امیر عبداللهیان گفت که بهبود همکاری میان ایران و آژانس بین المللی انرژی هسته ای، تلاشهای طرفهای دیگر را «که از هر بهانه ای برای تشدید تنش و جنگ افروزی در منطقه استفاده می کنند»، خنثی خواهد کرد. این احتمال نیز وجود دارد که ایالات متحده نظر آژانس بین المللی را برای ارجاع پرونده هسته ای ایران به شورای امنیت جلب کند تا قبل از اینکه تاریخ مصرف برجام در سال ۲۰۲۵ میلادی به سر برسد، و با استفاده هر کدام از اعضای تروئیکای اروپایی از میکانیسم ماشه و بازگشت خودکار تحریمها علیه ایران، برجام را از بین ببرد و تحریمها و فشارهای بیشتری بر ایران وارد سازد.

دو. بازگشت آمریکا به راهبرد فشارهای حداکثری: در سایه ناکامی جامعه بین الملل در بازداشتن ایران از سیاستهای هسته ای، و در سایه استفاده ایران از تحولات بین الملل و موضع ضد آمریکایی و ضد غربی چین و روسیه و احتمال عدم تحقق توافق بین المللی برای ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت، احتمالاً بهترین گزینه اداره بایدن این باشد که با الگو

قرار دادن روش ترامپ، به راهبرد تحریمهای حداکثری و تحمیل فشارهای داخلی بیشتر و انزوای بیشتر در سطح بین الملل روی آورد؛ زیرا اکنون تنها تحریمها و فشارهای مضاعف غربی است که می تواند جلوی تندروری نظام را بگیرد و آن را به همکاری بهتر با آژانس بین المللی انرژی هسته ای وادار سازد. و به نظر می رسد که در سایه افزایش تهدیدهای منطقه ای ایران، اداره بایدن در همکاری با متحدان اروپایی خود روی همین روند تمرکز کرده است؛ چرا که از دیپلماسی کاری ساخته نشد.

سه. بازگشت به روند دیپلماسی: مسأله هسته ای ایران که با توازنات و تحولات منطقه ای و بین المللی رابطه تنگاتنگی دارد، به یک مسأله خاصی بدل شده است. علاوه بر آن، در دوره بایدن به طور بی سابقه ای در خصوص این مسأله مماشات صورت گرفته است که به احتمال زیاد در چارچوب تفاهم و معامله صورت گرفته است. در نتیجه، یکی از احتمالات این است که این سفر گروسی به نزدیک شدن دیدگاههای تهران و واشنگتن منجر شود؛ که در این صورت روند دیپلماسی که به روند وین نیز معروف است احیا می شود. زیرا در سایه چالشهای داخلی و خارجی، هیچ یک از طرفین تمایلی به تشدید تنش و رویارویی ندارند.

چهار. بازگشت احتمالی ترامپ: شاید نزدیک شدن موعد انتخابات آمریکا گزینه های بایدن در تعامل با پرونده هسته ای ایران را محدود کند اما اگر در اواخر سال ۲۰۲۴ میلادی ترامپ به کاخ سفید بازگردد، پرونده هسته ای ایران بر سر یک دو راهی قرار خواهد گرفت. زیرا بدون شک ترامپ سیاست فشار حداکثری علیه ایران را دنبال خواهد کرد و احتمالاً برای مقابله با تهدید ایران همکاری خود با اسرائیل را تقویت خواهد کرد. اما این بار ترامپ در مقابل «تندروهایی» قرار دارد که قدرت را در اختیار گرفته اند و اگر نظام با خطر وجودی مواجه شود، برای تغییر دکتورین هسته ای آمادگی دارند. اما با این همه، با توجه به اولویت حفظ نظام ممکن است این جریان تندرو همچنان به گزینه صبر راهبردی، وقت کشی و پرهیز از رویارویی و تنش زدایی در موضوع هسته ای و در عین حال تقویت دستاوردها روی آورد.

خلاصه:

در حالیکه برنامه هسته ای ایران بدون هیچگونه نظارت بین المللی با سرعت به آستانه هسته ای نزدیک می شود، سفر گروسی به ایران فرصتی پدید آورد تا نظام آمادگی خود را برای مشارکت و تفاهم اعلام کند. اما انتظار نمی رود که این سفر تغییری در وضعیت موجود ایجاد کند؛ زیرا این بحران در مسائل سیاسی ریشه دارد و ایران از این پرونده برای حمایت از منافع و نفوذ خود بهره برداری می کند. اداره بایدن یک فرصت تاریخی در اختیار ایران قرار داد تا فاصله زمانی خود با آستانه هسته ای را کاهش دهد و با ارتقای سطح دانش هسته ای خود، یک برگ فشار بی نظیری کسب کند؛ تا جایکه نظام و مقامات نظام اکنون آشکارا از آمادگی خود برای تغییر دکترین هسته ای کشور سخن می گویند. شاید هنوز آخرین شانس برای بازدارندگی در مقابل ایران همچنان باقی باشد که همانا ارجاع پرونده هسته ای ایران به شورای امنیت در سال ۲۰۲۴ میلادی است وگرنه، جهان باید خود را برای پذیرش ایران هسته ای ایدئولوژی محور مهیا کند.

